

تعریف قضیه و اقسام آن

رابطه ی جمله در ادبیات فارسی و قضیه:

در ادبیات فارسی دو دسته جمله وجود دارد:

۱- جملات انشایی

۲- جملات خبری

جملات انشایی جملاتی هستند که خبری از عالم خارج نمی دهند، بلکه خواسته ها و تمایلات و مانند اینها را مطرح می کنند.

این جملات عبارتند از:

۱- جملات پرسشی

۲- امر

۳- نهی

۴- آرزویی (دعایی)

۵- تعجبی

۶- ندا

هیچ کدام از جملات انشایی قابلیت صدق و کذب ندارند.

منطق

جملات خبری جملاتی هستند که درباره ی عالم خارج خبری می دهند و ممکن است صادق یا کاذب باشند؛

مانند:

«من دیروز به مدرسه رفتم.»

«زمین به دور خورشید می گردد.»

«خورشید به دور زمین می گردد.»

«مثلث سه ضلع ندارد.»

نکته

قضیه در منطق تنها جملات خبری را در بر می گیرد و جملات انشایی هیچ کدام قضیه محسوب نمی شوند.

قضیه:

قضیه همان تصدیق است.

جملات خبری می توانند صادق (مطابق با واقعیت) یا کاذب (غیر مطابق با واقعیت) باشند. به جملات خبری صادق، «قضیه ی صادق» و به جملات خبری کاذب «قضیه ی کاذب» می گویند؛ بنابراین جمله ی خبری چه صادق باشد و چه کاذب، قضیه محسوب می شود.

منطق

مانند: زمین به دور خورشید می‌گردد (قضیه ی صادق) ، خورشید به دور زمین می‌گردد (قضیه ی کاذب).

وقتی در تعریف قضیه می‌گوییم: «جمله ی خبری معنا دار»، با وصف «معنادار» جملاتی را که ظاهری همچون جمله ی خبری دارند اما دارای معنا نیستند از قضایا خارج می‌کنیم؛

مثلا: «روز چهارشنبه شجاع است»، «دیوار تکالیفش را نوشت» و امثال اینها به دلیل بی معنا بودن، قضیه محسوب نمی‌شوند.

نکته:

از آنجا که وظیفه ی منطق جلوگیری از خطای اندیشه است و جملات انشایی را نمی‌توان صادق و کاذب دانست ← این دسته جملات در منطق بررسی نمی‌شوند. (تنها جملات خبری (قضایا) در منطق بررسی می‌شوند.)

نکته ی سطح بالا:

جملات استفهام انکاری گرچه ظاهری پرسش گونه دارند اما در واقع می‌خواهند خبری را اعلام کنند. بنابراین آن‌ها را قضیه محسوب می‌کنیم.

مثال: ۱- مور چه می‌داند که بر دیواره ی اهرام می‌گذرد یا بر خشتی خام. (چه می‌داند = نمی‌داند)

۲- تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟ (کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟ = به کوی طریقت نمی‌توانی گذر کنی.)

اقسام قضیه

قضیه ای که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می‌شود،
مانند: «امیرالمومنین علیه السلام فاتح خیبر است.»

قضیه ای که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می‌شود.
مانند: «اگر باران ببارد، زمین خیس می‌شود.»

حملی

شرطی

قضیه